

This is a Persian translation of  
Alexander  
by Masan Hasegawa  
(Fukuoka College)  
Kyojin Gakusha Nishio Publishers 1989  
Translated by Farzadegan  
Publishing House, Tehran, 1979

مارتین هایدگر

---

---

# نیچه

---

---

(جلد دوم)

ترجمه

ایرج قانونی



## فهرست

۱۱	مقدمه مترجم
	کتاب دوم:
۳۳	بازگشت جاودانِ همان (۱۹۳۷)
۳۳	۱. آموزه بازگشت جاودان به مثابه اندیشه بنیادی متافیزیک نیچه
۳۷	۲. پیدایش آموزه بازگشت
۵۰	۳. نخستین گزارش نیچه از آموزه بازگشت
۶۰	۴. «تراژدی آغاز می شود»
۶۶	۵. دومین گزارش از آموزه بازگشت
۷۱	۶. «درباره رؤیا و معما»
۸۲	۷. جانوران زرتشت
۸۷	۸. «شفایافته»
۱۰۵	۹. سومین گزارش از آموزه بازگشت
۱۱۴	۱۰. اندیشه بازگشت در یادداشت های علنی نشده
۱۱۸	۱۱. چهار یادداشتِ اوت ۱۸۸۱

۱۲. بیان اجمالی این اندیشه: تمامیت موجود به مثابه زندگی،  
 ۱۲۹ به مثابه قدرت؛ جهان همچون آشوب  
 ۱۳. تردید درباره «انسانی کردن» موجودات  
 ۱۴. برهان نیچه درباره آموزه بازگشت  
 ۱۵. رویه به ظاهر علمی اقامه برهان. علم و فلسفه  
 ۱۶. ویژگی «برهان» آموزه بازگشت  
 ۱۷. اندیشه بازگشت به منزله یک باور  
 ۱۸. اندیشه بازگشت و آزادی  
 ۱۹. مروری بر یادداشت‌های دوره دانش طربناک (۱۸۸۱-۱۸۸۲)  
 ۲۰. یادداشت‌های مربوط به دوره چنین گفت زرتشت (۱۸۸۳-۱۸۸۴)  
 ۲۱. یادداشت‌های مربوط به دوره اراده معطوف به قدرت  
 (۱۸۸۴-۱۸۸۸)  
 ۲۲. صورت آموزه بازگشت  
 ۲۳. قلمرو اندیشه بازگشت: آموزه بازگشت به مثابه غلبه بر نیست‌انگاری  
 ۲۴. لحظه و بازگشت جاودان  
 ۲۵. ذات موضع متافیزیکی بنیادی. امکان آن در تاریخ فلسفه غربی  
 ۲۶. موضع متافیزیکی بنیادی نیچه
- کتاب سوم:
- ۲۸۵ اراده معطوف به قدرت به مثابه شناخت
۲۸۵. نیچه در مقام متفکر کمال و پایان متافیزیک  
 ۲۹۴. آن چه «شاهکار» نیچه خوانده می‌شود  
 ۳۰۰. اراده معطوف به قدرت به مثابه اصل ارزش‌گذاری ای نوین  
 ۳۰۹. شناخت در اندیشه بنیادی نیچه درباره ذات حقیقت  
 ۳۲۳. ذات حقیقت (صدق) در مقام «ارزیابی ارزش»  
 ۳۳۲. زیست‌شناسی‌گرایی ادعایی نیچه

۳۴۳. ۳۳. متافیزیک غربی در مقام «منطق»  
 ۳۵۰. ۳۴. حقیقت و آنچه حقیقی است  
 ۳۵۶. ۳۵. تضاد «جهان‌های ظاهری و حقیقی»: بازگشت به روابط ارزشی  
 ۳۶۵. ۳۶. جهان و زندگی به مثابه «شدن»  
 ۳۷. شناختن در مقام طرح یک آشوب را در انداختن بر حسب نیاز عملی  
 ۳۷۰.  
 ۳۸۲. ۳۸. مفهوم «آشوب»  
 ۳۹. نیاز عملی به منزله نیاز به طرح یا شاکله. بر ساختن افق و چشم‌انداز  
 ۳۹۰.  
 ۳۹۸. ۴۰. مفاهیم و محاسبه  
 ۴۰۳. ۴۱. ذات شاعرانه یا خلاق عقل  
 ۴۱۴. ۴۲. تفسیر «زیست‌شناختی» نیچه از شناخت  
 ۴۲۶. ۴۳. اصل تناقض به مثابه اصل هستی (ارسطو)  
 ۴۳۱. ۴۴. اصل تناقض به مثابه فرمان (نیچه)  
 ۴۴۲. ۴۵. حقیقت و تمایز «جهان‌های حقیقی و ظاهری»  
 ۴۵۲. ۴۶. منتهای دگرگونی مفهوم متافیزیکی حقیقت  
 ۴۵۹. ۴۷. حقیقت به مثابه عدالت  
 ۴۷۷. ۴۸. ذات اراده معطوف به قدرت. دوام صیوروت در حضور

### مقدمه مترجم

چنان‌که مترجم انگلیسی کتاب خاطر نشان می‌کند این جلد شامل درس‌گفتار هایدگر درباره‌ی نیچه است که او در ترم تابستانی ۱۹۳۷ در دانشگاه فرایبورگ ارائه داد. یادداشت‌های دست‌نوشته‌ی هایدگر از آن درس‌گفتار عنوانش این است: «موضع متافیزیکی بنیادی نیچه در تفکر مغرب‌زمین» اما این عنوان در چاپ نسکه از این اثر در سال ۱۹۶۱ و زیر نظر هایدگر به این عنوان تغییر می‌یابد: «بازگشت جاودان همان». این دو عنوان در مجموع گویای این رأی (تر) هایدگر است که اندیشه‌ی بازگشت جاودان همان، نه آموزه‌ای از آموزه‌های نیچه، که موضع متافیزیکی بنیادی نیچه را تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup>

کتاب حاضر با نیچه‌ای‌ترین گزاره‌ی نیچه شروع می‌شود: «در گرداگرد قهرمان همه‌چیز ترازدی می‌شود، در گرداگرد نیمه‌خدا همه‌چیز نمایش طنز (نمایش ساتیری)؛ و در گرداگرد خداوند همه‌چیز - چه؟ چه‌بسا 'جهان' می‌شود؟ (فراسوی نیک و بد، پاره ۱۵۰).

1. Martin Heidegger, *Nietzsche*, vol. II, trans. David Farrell Krell (New York, Harper Collins Publishers, 1991), p.v.

در همان آغاز به یونان پرتاب می‌شویم، بدون آن‌که اسمی از یونان برده شود به آغاز برده می‌شویم. تراژدی، نیمه‌خدایان و ساتیریازی ردهای عهد باستان است. در یونان بود که متافیزیک آغاز شد. آن‌چه بیش از هر چیز به هایدگر اجازه می‌دهد تا قطعه‌ای تک‌افتاده در فراسوی نیک و بد را به نمایش تصویری اندیشه‌های نیچه، بازگشت جاودان همان، بدل سازد این رأی او است که این اندیشه موضع متافیزیکی بنیادی نیچه است. پس رد آن را می‌توان در جای جای فلسفه و اقوال او پی گرفت. در این جا نیز نیچه از موجود، قهرمان، شروع می‌کند و به موجود به‌مثابه یک کل، جهان، راه می‌برد. متافیزیک نیز همین است که به جای پرداختن به وجود به موجود می‌پردازد.

قهرمان و تراژدی، قهرمان و از پا درآورنده قهرمان، قهرمان و ضد قهرمان. تراژدی یعنی پایان قهرمانی قهرمان. هر قهرمانی تا آستانه آن قهرمان است و نه بیشتر. اما وقتی می‌گوییم پیش از آن‌که قهرمان پا به صحنه بگذارد همه چیز عادی است و آن‌جا که قهرمان قهرمانی‌اش به منصف ظهور می‌رسد همه چیز رنگ تراژدی به خود می‌گیرد همه چیز ضد قهرمان می‌شود به تقابلی اشاره می‌کنیم، اما به این تقابل در قالب مرکز و پیرامون، شاکله حاکم بر کل این سه جمله اشاره می‌کنیم و در این میان چیزی را می‌شکنیم، ضدان لایجتماعان را، این را که دو ضد با هم جمع نمی‌آیند. اما گردش پیرامون به گرد مرکز در هم آمیختگی خاص تابعیت و تضاد است. نمایش تابعیت آشکار در عین تضاد است. این‌که همه چیز در گرداگرد قهرمان تراژدی و ضد قهرمانی او می‌شود اما با این وصف غلام حلقه به گوش قهرمان است چه که پیرامون تابع مرکز است. در خانه‌های اربابی قدیم دورتادور اتاق مرکزی بزرگ ارباب ایوانی تعبیه می‌کردند که به آن غلام گردش می‌گفتند چه که بنا بود شبانگاهان محل تردد و پاس دادن غلامان و حفاظت از ارباب در حین آسایش او باشد. در این غلام گردش و مرکز آن روال عادی امور جریان دارد و غلام در آن‌جا می‌گردد تا

امر عادی عادی بماند و محافظت شود. و آن‌چه عادی است مصیبت نیست. نیچه هیچ نمی‌گوید که تراژدی قهرمان را می‌سازد بلکه گویی این قهرمان و حضور اوست که آن‌چه را عادی است از دور خارج می‌کند و فاجعه و تراژدی را جایگزین آن می‌کند. این قهرمان قهرمان چیره شدن و از میان برداشتن تراژدی نیست. آن نمایش تعارض توانایی و ناکامی است. قهرمان به‌رغم توانایی و برتری‌اش بر دیگران از همان چیزی که دیگران از آن برخوردارند، بهره‌مندی از روال عادی امور بی‌نصیب است و زمام به‌روزی خود را به دست ندارد. آن‌چه تابع است از آن‌رو که به گرد او و به تبع او می‌گردد نامرادی است، ناخواسته است و این همان است که در اصل تابع او نیست و تنها تبعیتی پنهان دارد. نیچه با واسازی خود، گو آن‌که این لفظ تنها از آن‌رو که لفظ است ابداع پس از اوست، این امر پنهان را آشکار می‌کند. زیرا وقتی این تراژدی و ناگواری است که به گرد مرکز و قهرمان می‌گردد، از آن‌رو که آن ناگواری است با قهرمان در ستیز است و آن‌جا که ستیزه است و کشمکش تبعیت و سرسپردگی نیست. اما از سوی دیگر نفس به گرد مرکز گردیدن خود تبعیت است، اما تبعیت به‌مثابه امر پنهان که با وارونه‌سازی دو سویه متقابل نیچه بین امر تراژیک و قهرمان تراژدی مکشوف می‌شود. با ظهور امر پنهان مفهوم تراژدی ثبات مفهومی همیشگی خود را از دست می‌دهد. درجا‌و‌اسازی‌ای به زبان نیامده صورت می‌گیرد و همان مقصودی حاصل می‌شود که بعد از نیچه مراد دریدا در کارهای خودش است، چنان‌که به‌طور مثال در کتابش *نکته‌ها (Points)* به آن اشاره می‌کند؛ و آن نوعی تحلیل و اسازانه است که در غایت سازگاری مفهوم‌ها، راه و رسم‌ها و شیوه‌های نگارش را دچار بی‌ثباتی و اضطراب می‌کند<sup>۱</sup>. باری، ستیزه قهرمان با امر تراژیک ستیزه و فرمان‌برداری‌ای است که فرمان‌برداری و سرسپردگی را در خود پنهان

1. Jacques Derrida, *Points*, Stanford University Press, 1995. p, 130.